

ستایش سعدی از خودش

- ۲ -

در بحث سابق اشعاری که شیخ مشرف الدین سعدی در غزلیات از خودش ستایش فرموده استخراج و به پیشگاه اهل ادب و تحقیق عرضه شد . اکنون در بوستان استاد اجل گردشی می‌کنیم .

سعدی از شعرای بزرگ زبان پارسی است که پایه کلام را به اوج آسمانها برده و مقام سخن را به جایی رسانده که کمتر سخن سرایی بر آن مقام می‌رسد . در میان بهترین آثار ادبیات فارسی دو کتاب پرارزش گلستان و بوستان بتمام معنی بی نظیر و بی‌همتا است و هر يك از آنها حالی و کیفیتی خاص دارد و ترجیح یکی بر دیگری دشوار است . شراب کهنه و گوارا را در هر ظرفی بریزید همان شراب است که در اهل ذوق و اندیشه مستی طرب انگیز برمی‌انگیزد . اگر در ادبیات فارسی آثار سعدی نبود کم بود شگفت انگیزی داشتیم . بوستان به منزله باغی است پر از گل های ادب و اخلاق . شیخ اجل در این کتاب داستانهای شیرین را به زبان ساده و گویا بیان می‌کند که برای هر فارسی زبان قابل درک است . سعدی بلاغت را در بوستان به حد نهایت رسانده این شاعر انسان دوست در هر گوشه بوستان نمۀ مردی و مردانگی ، تواضع و محبت ، شرافت و عدالت سرداده ، او سراپا لطف و صفا و مظهر مهر و محبت است حتی ناصیح تلخ را چنان به شیرینی گفتار می‌آراید که تلخی آن به کام خواننده شیرین می‌نماید .

بر آن صد هزار آفرین کاین بگفت
حق تلخ بین تاجه شیرین بگفت
باری بوستان سعدی نمایانگر عالم نیکی و زیبایی است ، سعدی طالب انسان است .
انسان به مفهوم واقعی کلمه .

کتاب پر ارج بوستان در حکمت عملی و دستورهای اجتماعی است و بی تردید هیچ کتابی در ادبیات فارسی که مظلوم هم باشد بدین مایه نیست . در آداب مملکت داری و دستورهای اجتماعی از رموز حکمت و قواعد سیاست و عدل و احسان و ناصیح پادشاهان و راهنمایی آنان بی پروائی و بی اعتنائی و دلبری را به نهایت رسانیده است .

تو کی بشنوی ناله داد خواه	به کیوان برت کله خوابگاه
چنان خسب کاید فنانت بگوش	اگر داد خواهی بر آرد خروش
که نالد ز ظالم که در دورتست	که هر جور کو می‌کند جورتست
نه سگ دامن کادوانی درید	که دهقان نادان که سگ پرورید

توجیه بیت آخر را چنانکه او فرموده به زبانی ساده تر از آن نمی‌توان کرد . تحلیل و تجزیه قوی است و ازین گونه ابیات که با استدلال قوی از بیان صغری و کبری و تشبیه توأم است در بوستان بسیار است .

باری در بوستان سعدی سخن از انسانیت است و تواضع و کشورداری و حتی تربیت زن و فرزند و امثال آن که در هیچ کتابی برتر و لطیف تر از بوستان نمی بینیم .
سعدی برخلاف برخی از شاعران و صوفیان شكاك مردی مذهبی و معتقد است . فکرش قوی و روشن است اما بندرت از چارچوبه اوامر مذهبی بیرون میشود او صوفی است ولی صوفیان نا اهل را سخت سرزنش می کند .

در آثار عرفانی داستانهائی است که در کف عارفان بزرگه سنگ به زر تبدیل شده که در هیچ کتاب اخلاقی و تربیتی عبارتی بدین ظرافت و لطف نمی توان یافت .
هرچند عقل به هیچ روی این گونه کرامات را نمی پذیرد ولی با توجیهی که شیخ اجل در باب شاعت فرموده پذیرفتنی می شود می فرماید :

شنیدم که در روزگار قدیم شدی سنگ در دست ابدال سیم
مبندار کاین قول معقول نیست چوقانع شدی سیم و سنگت یکی است
فرض بفرمائید در اغتنام وقت و از دست ندادن فرصت هر يك از شعرا و حکما به
زبانی آدمی را متوجه ساخته اند و پند داده اند ولی سعدی با استدلال قوی چه بیانی دارد و
چه نتیجه ای :

نگه دار فرصت که عالم دمی است دمی پیش دانا به از عالمی است
سکندد که بر عالمی حکم داشت در آن دم که می رفت و عالم گذاشت
میسر نبودش کز او عالمی ستانند و مهلت دهندش دمی
شیخ سعدی بوستان را در سال ۶۵۵ تنظیم نموده پس از بازگشت از سفرهای طولانی
بوستانش ارمغانی است از این سفرها :

بدل گفتم از مصر قند آورند بر دوستان ارمغانی برند
مرا گر تهی بود از آن قند دست سخن های شیرین تر از قند هست
و در سال بعد یعنی سال ۶۵۶ گلستان را تألیف کرد . در آغاز ورود گویا از نظر
ملاحظات اخلاقی و اجتماعی ملامت گفتار را در بوستان رعایت فرموده . مثلاً یکی از
ابواب بوستان در عشق و جوانی است که در گلستان نیز بایستی به همین عنوان است . هرچند
داستانهای این باب در بوستان لطیف است و رندی های عشق و رزی در پرده است اما در
گلستان آشکارتر است .

بعضی از اهل سخن کتاب بوستان را بر گلستان و قصاید و غزلیات شیخ ترجیح
می دهند پذیرفتن این عقیده دشوار است . زیرا همه آثار شیخ در لطافت و زیبایی و شیرینی
هم آهنگ است آن چه بوستان را از دیگر آثار وی جدا و ممتاز می کند ، خودداری شاعر
از آوردن حکایات و مطالبی است که با عفت ادبی سازگاری ندارد .

در تاریخ ایران به صراحت یاد شده که اتابك ابوبکر سعد بن زنگی اقلیم پارس را
از حمله مغول در امان داشت . همه نقاط ایران درین هجوم ویران شد و غارتها و قتلها
به نهایت رسید . منطقه فارس از هجوم مغول محفوظ ماند . برای این که ابوبکر سعد زنگی

مطیع مفلول شد ، باج گزاف تعهد کرد که پردازد . و چون این سرزمین محفوظ ماند بسیاری از بزرگان ادب چون شمس قیس رازی نویسنده المعجم فی معاییر اشعار المعجم بدان منطقه پناه بردند . اکنون شیخ بزرگوار این پادشاه مغلوب خراج گزار بی چاره را مدح می کند و دشمنش را نکوهش می فرماید به زبانی که لطیف تر و جامع تر از آن امکان ندارد :

سکندر به دیوار روئین و سنگ بکرد از جهان راه یا جوج تنگ
ترا سد یا جوج کفر از زراست نه روئین چو دیوار اسکندر است
بر هر يك از ادبای ایران واجب است که در تشریح و تبیین لطائف بوستان سعدی اندیشه تابناک خود را بکار اندازند و نژاد ایرانی را به ارزش بی انتهای این میراث عظیم متوجه سازند .

نباید نهدت که همه آثار سعدی ستایشی است در بست از او . سحر بیان شیخ اجل آن چنان است که وصفش از عهده من خارج است بیان عظمت افکار و اعجاز قلم را برعهده سخن او می لذارم که از قدرت شاعری خود گفتگو کرده و خود معترف به این معنی بوده و سخن خود را ستوده . این است اشعار منتخب از بوستان :

گل آورد سعدی سوی بوستان	به شوخی و فلفل به هندوستان
یکی گفت ازین نوع شیرین نفس	در این شهر سعدی شناسیم و بس
بر آن صد هزار آفرین کاین بگفت	حق تلخ بین تا چه شیرین بگفت
تو شیرین زبانی ز سعدی بگیری	ترش روی را گو به تلخی بمیر
به شیرین زبانی توان برد گوی	که پیوسته تلخی برد تند خوی
چه آوردم از بصره دانی عجب	حدیثی که شیرین ترست از رطب
مرا لفظ شیرین خواننده داد	ترا سمع و ادراک داننده داد
گرفتم که سیم و زرت چیز نیست	چو سعدی زبان خوشت نیز نیست
نقایست هر سطر من زین کتیب	فرو هشته بر عارضی دلفریب
ترا پند سعدی بس است ای پسر	اگر گوش گیری چو پند پند
الا ای خردمند بسیار هوش	اگر هوشمندی به من دار گوش
بلند آسمان زیر پای آوری	اگر پند سعدی بجای آوری
زبان درکش اراقل داری و هوش	چو سعدی سخن گوی ورنه خموش
ز هستی در آفاق سعدی صفت	تهی گرد و باز آی پر معرفت
برو خوشه چین باش سعدی صفت	که گرد آوری خرمن معرفت
اگر در سرای سعادت کس است	ز گفتار سعدیش حرفی بس است
نصیحت کسی سودمند آیدش	که گفتار سعدی پسند آیدش
سخن های سعدی مثال است و پند	به کار آیدت گر شوی کاربند

شفا بایدت داروی تلخ نوش	چه خوش گفت یكروز دارو فروش
ز سعدی ستان تلخ داروی پند	اگر شربتی بایدت سودمند
به شهد ظرافت بر آمیخته	به پرویزن معرفت بیخته
که ترتیب ملکست و تدبیر ورای	سعید آورد قول سعدی بجای
برو هیچ بلبل چنین خوش نکفت	مگر تا گلستان معنی شکفت
که بر استخوانش نروید گلی	عجب گر بمیرد چنین بلبلی
که سعدی درافشاند اگر ز رندا داشت	زرافشان چو دنیا بخواهی گذاشت
در ایام بو بکر بن سعد بود	که سعدی که گوی بلاغت ربود
چو آتش در او روشنائی و سوز	مرا کاین سخن هاست مجلس فروز
کزین آتش پارسی در تبند	نرنجم ز خصمان اگر بر طیند
به نفرت کند زاندرون تپاه	چو دشمن که در شعر سعدی نگاه
چو زحفی ببیند بر آرد خروش	ندارد به صد نکته نغز گوش
چو تیغت به دست است فتیحی بکن	دلیر آمدی سعیدیا در سخن
به عزت کنی پند سعدی به گوش	گرت عقل ورای است و تدبیر و هوش
که سعدی نگوید مثالی بر آن	نگفتند حرفی زبان آوران
که گردن ز گفتار سعدی بنافت	سعادت نجست و سلامت نیافت
چو در پرده معشوق و در میخ ماه	معانیست در زیر حرف سیاه
که دارد پس پرده چندین جمال	در اوراق سعدی ننگبند ملال
ز سعدی همین يك سخن یاد دار	سخن ماند از عاقلان یادگار

کلیات سعدی

نسخه ای است اصیل و معتبر که اشتباهات کتابتی آن بسیار ناچیز است یعنی سهواً القلمی است که هر کاتب عالم و دانائی گاهی به غفلت مرتکب می شود. این کتاب مستطاب متضمن مواظ و سعدی نامه و گلستان و غزلیات (طبیات - بدایع - خواتیم) و قصاید عربی و فارسی و ترجیعات و ملامت و رباعیات و مفردات و صاحبیه و جز اینهاست.

تاریخ کتابت ۷۲۸ هجری و کاتب مدعی است که از روی نسخه خط شیخ سعدی نوشته شده، و به ظن نزدیک به یقین در دعوی خود صادق است. و به هر صورت یکی از دوسه نسخه بسیار با ارزش بی نظیر جهان شمرده می شود. عین کتاب در کتابخانه آیندیا افسس لندن محفوظ است و عکس آن را سرکار خانم نصرت تجر به کار دکتر در ادبیات فارسی عضو وزارت فرهنگ و هنر، از لندن فرستاده و اکنون در تطبیق غزلیات سعدی با چند نسخه قدیم دیگر مورد مطالعه و استفاده است. دو صفحه ازین کتاب را ملاحظه می فرمائید. صفحه ای از آخر طبیات که تصریح شده از روی خط شیخ کتابت شده و صفحه ای دیگر از آخر کلیات که تاریخ کتابت است.